

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

کهیص ﴿۱﴾

فولادوند: کافها یا عین صاد

مکارم: کهیص

ذِكْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ﴿۲﴾

فولادوند: [این] یادی از رحمت پروردگار تو [در باره] بنده‌اش زکریاست

مکارم: این یادی است از رحمت پروردگار تو نسبت به بنده‌اش زکریا.

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا ﴿۳﴾

فولادوند: آنگاه که [زکریا] پروردگارش را آهسته ندا کرد

مکارم: در آن هنگام که پروردگارش را در خلوتگاه (عبادت) خواند.

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا ﴿۴﴾

فولادوند: گفت پروردگارا من استخوانم سست گردیده و [موی] سرم از پیری سپید گشته و ای پروردگار من هرگز در دعای تو

نامید نبوده‌ام

مکارم: گفت پروردگارا! استخوانم سست شده و شعله پیری تمام سرم را فرا گرفته و من هرگز در دعای تو از اجابت محروم

نمی‌شدم.

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ﴿۵﴾

فولادوند: و من پس از خویشتن از بستگانم بیمناکم و زخم نازاست پس از جانب خود ولی [و جانشینی] به من ببخش

مکارم: و من از بستگانم بعد از خودم بیمناکم (که حق پاسداری از آئین تو را نگاه ندارند) و همسرم نازا است، تو به قدرت

جانشینی به من ببخش.

يُرْتِنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿۶﴾

فولادوند: که از من ارث برد و از خاندان یعقوب [نیز] ارث برد و او را ای پروردگار من پسندیده گردان

مکارم: که وارث من و آل یعقوب باشد و او را مورد رضایت قرار ده.

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ﴿۷﴾

فولادوند: ای زکریا ما تو را به پسری که نامش یحیی است مزده می‌دهیم که قبلا همنامی برای او قرار نداده‌ایم
مکارم: ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش یحیی است، پسری همنامش پیش از این نبوده است.

قَالَ رَبِّ اَنْتَیْ یَکُونُ لِیْ غُلَامٌ وَکَانَتِ امْرَاَتِیْ عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْکِبَرِ عِتِیًّا ﴿۸﴾

فولادوند: گفت پروردگارا چگونه مرا پسری خواهد بود و حال آنکه زخم نازاست و من از سالخوردگی ناتوان شده‌ام

مکارم: گفت: پروردگارا! چگونه فرزندی برای من خواهد بود در حالی که همسر من نازا است، و من نیز از پیری افتاده شده‌ام؟!

قَالَ کَذٰلِکَ قَالَ رَبُّکَ هُوَ عَلِیَّ هَیِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُکَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَکُ شَیْئًا ﴿۹﴾

فولادوند: [فرشته] گفت [فرمان] چنین است پروردگار تو گفته که این [کار] بر من آسان است و تو را در حالی که چیزی نبودی
قبلا آفریده‌ام

مکارم: فرمود: اینگونه پروردگارت گفته (و اراده کرده) این بر من آسان است من قبلا تو را آفریدم و چیزی نبودی!

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّیْ آیَةً قَالَ اٰیٰتُکَ اَلَا تُکَلِّمُ النَّاسَ ثَلٰثَ لَیَالٍ سَوِیًّا ﴿۱۰﴾

فولادوند: گفت پروردگارا نشانه‌ای برای من قرار ده فرمود نشانه تو این است که سه شبانه [روز] با اینکه سالمی با مردم سخن
نمی‌گویی

مکارم: عرض کرد: پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرار ده. گفت نشانه تو این است که سه شبانه روز قدرت تکلم (با مردم) نخواهی
داشت، در حالی که زبان تو سالم است.

فَخَرَجَ عَلٰی قَوْمِیْهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَاَوْحٰی اِیْهِمْ اَنْ سَبِّحُوْا بُکْرَةً وَعَشِیًّا ﴿۱۱﴾

فولادوند: پس از محراب بر قوم خویش درآمد و ایشان را آگاه گردانید که روز و شب به نیایش بپردازید

مکارم: او از محراب عبادتش به سوی مردم بیرون آمد و با اشاره به آنها گفت صبح و شام (به شکرانه این نعمت) خدا را تسبیح
گوئید.

یَا یَحٰییِ خُذِ الْکِتٰبَ بِقُوَّةٍ وَاَتِیْنٰهُ الْحُکْمَ صَبِیًّا ﴿۱۲﴾

فولادوند: ای یحیی کتاب [خدا] را به جد و جهد بگیر و از کودکی به او نبوت دادیم

مکارم: ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر، و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم.

وَ حَنَّاْنَا مِنْ لَدُنَّا وَزَکَاةً وَکَانَ تَقِیًّا ﴿۱۳﴾

فولادوند: و [نیز] از جانب خود مهربانی و پاکی [به او دادیم] و تقوای پیشه بود

مکارم: و به او رحمت و محبت از ناحیه خود بخشیدیم، و پاکی (روح و عمل) و او پرهیزگار بود.

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿١٤﴾

فولادوند: و با پدر و مادر خود نیکرفتار بود و زورگویی نافرمان نبود

مکارم: او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و جبار (و متکبر) و عصیانگر نبود.

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿١٥﴾

فولادوند: و درود بر او روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود

مکارم: و سلام بر او آن روز که تولد یافت، و آن روز که می‌میرد، و آن روز که زنده و برانگیخته می‌شود.

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾

فولادوند: و در این کتاب از مریم یاد کن آنگاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری شتافت

مکارم: در این کتاب (آسمانی قرآن) از مریم یاد آر، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد و در ناحیه شرقی قرار گرفت.

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾

فولادوند: و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش‌اندام بر او نمایان

شد

مکارم: و حجابی میان خود و آنها افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد) در این هنگام ما روح خود را به سوی او

فرستادیم و او در شکل انسانی بیعیب و نقص بر مریم ظاهر شد.

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٨﴾

فولادوند: [مریم] گفت اگر پرهیزگاری من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم

مکارم: او (سخت ترسید و) گفت من به خدای رحمن از تو پناه می‌برم اگر پرهیزگار هستی.

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾

فولادوند: گفت من فقط فرستاده پروردگار توام برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم

مکارم: گفت من فرستاده پروردگار توام (آمده‌ام) تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم!

قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾

فولادوند: گفت چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام

مکارم: گفت چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای هم

نبوده‌ام؟!

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ﴿٢١﴾

فولادوند: گفت [فرمان] چنین است پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است و تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم و [این] دستوری قطعی بود

مکارم: گفت مطلب همین است که پروردگارت فرموده، این کار بر من سهل و آسان است، ما می‌خواهیم او را نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم و رحمتی از سوی ما باشد، و این امری است پایان یافته (و جای گفتگو ندارد).

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾

فولادوند: پس [مریم] به او [=عیسی] آبیستن شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست
مکارم: سرانجام (مریم) باردار شد و او را به نقطه دوردستی برد.

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا ﴿٢٣﴾

فولادوند: تا درد زایمان او را به سوی تنه درخت خرمایی کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم
مکارم: درد وضع حمل او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند، (آنقدر ناراحت شد که) گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی فراموش شده بودم.

فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾

فولادوند: پس از زیر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد که غم مدار پروردگارت زیر [پای] تو چشمه آبی پدید آورده است
مکارم: ناگهان از طرف پائین پایش او را صدا زد که غمگین مباش پروردگارت زیر پای تو چشمه آب (گوارائی) قرار داده است.

وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾

فولادوند: و تنه درخت خرما را به طرف خود [بگیر و] بتکان بر تو خرما می‌ریزد
مکارم: و تکانی به این درخت نخل بده تا رطب تازه بر تو فرو ریزد.

فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَمَا تَرِينَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾

فولادوند: و بخور و بنوش و دیده روشن دار پس اگر کسی از آدمیان را دیدی بگوی من برای [خدای] رحمان روزه نذر کرده‌ام و امروز مطلقا با انسانی سخن نخواهم گفت

مکارم: از (این غذای لذیذ) بخور، و از (آن آب گوارا) بنوش، و چشمت را (به این مولود جدید) روشن دار، و هر گاه کسی از انسانها را دیدی با اشاره بگو: من برای خدای رحمان روزه گرفته‌ام و با احدی امروز سخن نمی‌گویم (این نوزاد خودش از تو دفاع خواهد کرد).

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾

فولادوند: پس [مریم] در حالی که او را در آغوش گرفته بود به نزد قومش آورد گفتند ای مریم به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای

مکارم: (مریم) او را در آغوش گرفته به سوی قومش آمد، گفتند: ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی!

يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾

فولادوند: ای خواهر هارون پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیز] بدکاره نبود

مکارم: ای خواهر هارون! نه پدر تو مرد بدی بود، و نه مادرت زن بدکاره‌ای!

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾

فولادوند: [مریم] به سوی [عیسی] اشاره کرد گفتند چگونه با کسی که در گهواره [و] کودک است سخن بگوییم

مکارم: (مریم) اشاره به او کرد، گفتند ما چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم؟!

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿٣٠﴾

فولادوند: [کودک] گفت منم بنده خدا به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است

مکارم: (ناگهان عیسی زبان به سخن گشود) گفت من بنده خدایم به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار داده است.

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾

فولادوند: و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است

مکارم: و مرا وجودی پر برکت قرار داده در هر کجا باشم، و مرا توصیه به نماز و زکات مادام که زنده‌ام کرده است.

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾

فولادوند: و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است

مکارم: و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده، و جبار و شقی قرار نداده است.

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾

فولادوند: و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم

مکارم: و سلام (خدا) بر من آن روز که متولد شدم و آنروز که می‌میرم و آنروز که زنده برانگیخته می‌شوم.

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾

فولادوند: این است [ماجرای] عیسی پسر مریم [همان] گفتار درستی که در آن شك می‌کنند

مکارم: اینست عیسی بن مریم، گفتار حقی که در آن تردید می‌کنند.

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾

فولادوند: خدا را نسزد که فرزندی برگیرد منزه است او چون کاری را اراده کند همین قدر به آن می‌گوید موجود شو پس بی‌درنگ موجود می‌شود

مکارم: هرگز برای خدا شایسته نبود فرزندی انتخاب کند، منزه است او، هر گاه چیزی را فرمان دهد می‌گوید: موجود باش! آن هم موجود می‌شود.

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٦﴾

فولادوند: و در حقیقت خداست که پروردگار من و پروردگار شماست پس او را پرستید این است راه راست
مکارم: و خداوند پروردگار من و شماست، او را پرستش کنید اینست راه راست.

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾

فولادوند: اما دسته‌ها [ی گوناگون] از میان آنها به اختلاف پرداختند پس وای بر کسانی که کافر شدند از مشاهده روزی دهشتناک
مکارم: ولی (بعد از او) گروهها از میان پیروان او اختلاف کردند، وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ (رستاخیز).

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾

فولادوند: چه شنوا و بینایند روزی که به سوی ما می‌آیند ولی ستمگران امروز در گمراهی آشکارند
مکارم: چه گوشهای شنوا و چه چشمهای بینائی (در آنروز) که نزد ما می‌آیند پیدا میکنند؟ ولی این ستمگران امروز در گمراهی آشکارند.

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾

فولادوند: و آنان را از روز حسرت بیم ده آنگاه که داوری انجام گیرد و حال آنکه آنها [اکنون] در غفلتند و سر ایمان آوردن ندارند
مکارم: آنها را از روز حسرت (روز رستاخیز که برای همه مایه تاسف است) بترسان، روزی که همه چیز پایان مییابد در حالی که آنها در غفلتند و ایمان نمی‌آورند.

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِنَّا يُرْجَعُونَ ﴿٤٠﴾

فولادوند: ماییم که زمین را با هر که در آن است به میراث می‌بریم و [همه] به سوی ما بازگردانیده می‌شوند
مکارم: ما زمین و تمام کسانی را که بر آن هستند به ارث می‌بریم و همگی به سوی ما باز میگردند.

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٤١﴾

فولادوند: و در این کتاب به یاد ابراهیم برداز زیرا او پیامبری بسیار راستگوی بود

مکارم: در این کتاب از ابراهیم یاد کن که او بسیار راستگو و پیامبر خدا بود.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ﴿٤٢﴾

فولادوند: چون به پدرش گفت پدر جان چرا چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند و از تو چیزی را دور نمی‌کند می‌پرستی

مکارم: هنگامی که به پدرش گفت ای پدر! چرا چیزی را پرستش میکنی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و هیچ مشکلی را از تو حل نمی‌کند؟!

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿٤٣﴾

فولادوند: ای پدر به راستی مرا از دانش [وحی حقایقی به دست] آمده که تو را نیامده است پس از من پیروی کن تا تو را به راهی راست هدایت نمایم

مکارم: ای پدر! علم و دانشی نصیب من شده است که نصیب تو نشده، بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راه راست هدایت کنم.

يَا أَبَتِ لِمَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿٤٤﴾

فولادوند: پدر جان شیطان را مپرست که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است

مکارم: ای پدر! شیطان را پرستش مکن که شیطان نسبت به خداوند رحمن عصیانگر بود.

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿٤٥﴾

فولادوند: پدر جان من می‌ترسم از جانب [خدای] رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی

مکارم: ای پدر! من از این می‌ترسم که عذابی از ناحیه خداوند رحمن به تو رسد در نتیجه از دوستان شیطان باشی!

قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ لِأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ﴿٤٦﴾

فولادوند: گفت ای ابراهیم آیا تو از خدایان من متنفری اگر باز نایستی تو را سنگسار خواهم کرد و [برو] برای مدتی طولانی از من دور شو

مکارم: گفت ای ابراهیم آیا تو از خدایان من روی گردانی؟ اگر (از این کار) دست برداری تو را سنگسار می‌کنم، از من برای مدتی طولانی دور شو!

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٤٧﴾

فولادوند: [ابراهیم] گفت درود بر تو باد به زودی از پروردگام برای تو آمرزش می‌خواهم زیرا او همواره نسبت به من پر مهر بوده است

مکارم: (ابراهیم) گفت سلام بر تو! من به زودی برایت از پروردگارم تقاضای عفو می‌کنم چرا که او نسبت به من مهربان است.

وَأَعْتَرِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ﴿٤٨﴾

فولادوند: و از شما و [از] آنچه غیر از خدا می‌خوانید کناره می‌گیرم و پروردگارم را می‌خوانم امیدوارم که در خواندن پروردگارم ناامید نباشم

مکارم: و از شما و آنچه غیر از خدا می‌خوانید کناره گیری می‌کنم، و پروردگارم را می‌خوانم و امیدوارم دعايم در پیشگاه پروردگارم بیپاسخ نماند.

فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٤٩﴾

فولادوند: و چون از آنها و [از] آنچه به جای خدا می‌پرستیدند کناره گرفت اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم و همه را پیامبر گردانیدیم

مکارم: هنگامی که از آنها و از آنچه غیر خدا می‌پرستیدند کناره گیری کرد ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، و هر يك را پیامبر بزرگی قرار دادیم.

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥٠﴾

فولادوند: و از رحمت‌خوبیش به آنان ارزانی داشتیم و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم

مکارم: و از رحمت خود به آنها ارزانی داشتیم و برای آنها نام نیک و مقام مقبول و برجسته (در میان همه امتها) قرار دادیم.

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥١﴾

فولادوند: و در این کتاب از موسی یاد کن زیرا که او پاکدل و فرستاده‌ای پیامبر بود

مکارم: در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن، که او مخلص بود، و رسول و پیامبر والامقامی.

وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ﴿٥٢﴾

فولادوند: و از جانب راست طور او را ندا دادیم و در حالی که با وی راز گفتیم او را به خود نزدیک ساختیم

مکارم: ما او را از طرف راست (کوه) طور فرا خواندیم، و او را نزدیک ساختیم و با او سخن گفتیم.

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ﴿٥٣﴾

فولادوند: و به رحمت‌خوبیش برادرش هارون پیامبر را به او بخشیدیم

مکارم: و ما از رحمت خود برادرش هارون را که پیامبر بود به او بخشیدیم.

وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥٤﴾

فولادوند: و در این کتاب از اسماعیل یاد کن زیرا که او درست‌وعده و فرستاده‌ای پیامبر بود
مکارم: در کتاب آسمانی خود از اسماعیل یاد کن که او در وعده‌هایش صادق و رسول و پیامبر بزرگی بود.

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿٥٥﴾

فولادوند: و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود
مکارم: او همواره خانواده خود را به نماز و زکات دعوت می‌کرد و همواره مورد رضایت پروردگارش بود.

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٥٦﴾

فولادوند: و در این کتاب از ادريس یاد کن که او راستگویی پیامبر بود
مکارم: و در این کتاب (نیز) از ادريس یاد کن، او بسیار راستگو و پیامبر بزرگی بود.

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾

فولادوند: و [ما] او را به مقامی بلند ارتقا دادیم

مکارم: و ما او را به مقام بلندی رساندیم.

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ
وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ﴿٥٨﴾

فولادوند: آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند بر ایشان نعمت ارزانی داشت از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح
[بر کشتی] سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که [آنان را] هدایت نمودیم و برگزیدیم [و] هر گاه آیات [خدای]
رحمان بر ایشان خوانده می‌شد سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند

مکارم: آنها پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، از فرزندان آدم و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار
کردیم، و از دودمان آنها که هدایت کردیم و برگزیدیم، آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شد به خاک
می‌افتادند و سجده می‌کردند، در حالی که گریان بودند.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ﴿٥٩﴾

فولادوند: آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی [سزای]
گمراهی [خود] را خواهند دید

مکارم: اما بعد از آنها فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را ضایع کردند و پیروی از شهوات نمودند و به زودی (مجازات)
گمراهی خود را خواهند دید.

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿٦٠﴾

فولادوند: مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام دادند که آنان به بهشت درمی آیند و ستمی بر ایشان نخواهد رفت

مکارم: مگر آنها که توبه کنند، ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

جَنَاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا ﴿٦١﴾

فولادوند: باغهای جاودانی که [خدای] رحمان به بندگان در جهان ناپیدا وعده داده است در حقیقت وعده او انجام‌شدنی است
مکارم: باغهایی است جاودانی که خداوند رحمان، بندگان را به آن وعده داده است، هر چند آن را ندیده‌اند، وعده خدا حتماً تحقق یافتنی است.

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿٦٢﴾

فولادوند: در آنجا سخن بیهوده‌ای نمی‌شنوند جز درود و روزی‌شان صبح و شام در آنجا [آماده] است
مکارم: آنها هرگز در آنجا گفتار لغو و بیهوده‌ای نمی‌شنوند و جز سلام در آنجا سخنی نیست و هر صبح و شام روزی آنها در بهشت مقرر است.

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ﴿٦٣﴾

فولادوند: این همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشند به میراث می‌دهیم
مکارم: این همان بهشتی است که ما به ارث به بندگان پرهیزگار می‌دهیم.

وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿٦٤﴾

فولادوند: و [ما فرشتگان] جز به فرمان پروردگارت نازل نمی‌شویم آنچه پیش روی ما و آنچه پشت سر ما و آنچه میان این دو است [همه] به او اختصاص دارد و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده است
مکارم: ما جز به فرمان پروردگارت تو نازل نمی‌شویم آنچه پیش روی ما و پشت سر ما و ما بین این دو میباشد همه از آن او است و پروردگارت هرگز فراموش کار نبوده (و نیست).

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾

فولادوند: پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است پس او را پرست و در پرستش او شکبیا باش آیا برای او همنامی می‌شناسی

مکارم: همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان این دو قرار دارد، او را پرستش کن، و در راه عبادتش شکبیا باش، آیا مثل و مانندی برای او پیدا میکنی؟!

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾

فولادوند: و انسان می‌گوید آیا وقتی بمیرم راستی زنده [از قبر] بیرون آورده می‌شوم

مکارم: انسان می‌گوید: آیا پس از مردن در آینده زنده (از قبر) بیرون خواهم آمد.

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَكَمْ يَكُ شَيْئًا ﴿٦٧﴾

فولادوند: آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را قبلا آفریده‌ایم و حال آنکه چیزی نبوده است

مکارم: آیا انسان به خاطر نمی‌آورد که ما او را پیش از این آفریدیم در حالی که چیزی نبود.

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾

فولادوند: پس به پروردگارت سوگند که آنها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت سپس در حالی که به زانو درآمده‌اند آنان را

گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد

مکارم: سوگند به پروردگارت که همه آنها را همراه با شیاطین محشور میکنیم، بعد همه را گرداگرد جهنم در حالی که به زانو در

آمده‌اند حاضر می‌سازیم!

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾

فولادوند: آنگاه از هر دسته‌ای کسانی از آنان را که بر [خدای] رحمان سرکش‌تر بوده‌اند بیرون خواهیم کشید

مکارم: سپس از هر گروه و جمعیتی کسانی را که از همه در برابر خداوند رحمان سرکش‌تر بوده‌اند جدا میکنیم.

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾

فولادوند: پس از آن به کسانی که برای درآمدن به [جهنم] سزاوارترند خود دانائیم

مکارم: بعد از آن ما به خوبی از کسانی که برای سوختن در آتش اولویت دارند آگاهیم (و آنها را پیش از دیگران مجازات خواهیم

کرد).

وَإِنْ مِّنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿٧١﴾

فولادوند: و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می‌گردد این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است

مکارم: و همه شما (بدون استثنا) وارد جهنم میشوید، این امری است حتمی و فرمانی است قطعی از پروردگارتان!!

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾

فولادوند: آنگاه کسانی را که پرهیزگار بوده‌اند می‌رهانیم و ستمگران را به زانو درافتاده در [دوزخ] رها می‌کنیم

مکارم: سپس آنها را که تقوا پیشه کردند از آن رهائی میبخشیم، و ظالمان را در حالی که (از ضعف و ذلت) به زانو درآمده‌اند در

آن رها میکنیم.

وَإِذَا تُلْتَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

﴿۷۳﴾

فولادوند: و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود کسانی که کفر ورزیده‌اند به آنان که ایمان آورده‌اند می‌گویند کدام يك از [ما] دو گروه جایگاهش بهتر و محفلش آراسته‌تر است

مکارم: و هنگامی که آیات روشن ما بر آنها خوانده می‌شود کافران به مؤمنان می‌گویند کداميك از دو گروه (ما و شما) جایگاهش بهتر و جلسات انس و مشورتش زیباتر و بخشش او بیشتر است؟!

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِثِيًّا ﴿۷۴﴾

فولادوند: و چه بسیار نسلها را پیش از آنان نابود کردیم که اثاثی بهتر و ظاهری فریباتر داشتند

مکارم: اقوام بسیاری را پیش از آنها نابود کردیم که هم مال و ثروتشان از اینها بهتر بود و هم ظاهرشان آراسته‌تر!

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ

﴿۷۵﴾

فولادوند: بگو هر که در گمراهی است [خدای] رحمان به او تا زمانی مهلت می‌دهد تا وقتی آنچه به آنان وعده داده می‌شود یا عذاب یا روز رستاخیز را ببیند پس به زودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است

مکارم: بگو کسی که در گمراهی است خداوند به او مهلت می‌دهد تا زمانی که وعده الهی را با چشم خود ببیند: یا عذاب این دنیا یا عذاب آخرت. امروز است که خواهند دانست چه کسی مکانش بدتر و چه کسی لشکرش ناتوان‌تر است؟!

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا ﴿۷۶﴾

فولادوند: و خداوند کسانی را که هدایت‌یافته‌اند بر هدایتشان می‌افزاید و نیکبهای ماندگار نزد پروردگارت از حیث پاداش بهتر و خوش‌فرجام‌تر است

مکارم: اما کسانی که در راه هدایت گام نهاده‌اند خداوند بر هدایتشان می‌افزاید، آثار و اعمال صالحی که (از انسان) باقی میماند در پیشگاه پروردگارت تو ثوابش بیشتر و عاقبتش ارزشمندتر است.

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِينَ مَالًا وَوَلَدًا

﴿۷۷﴾

فولادوند: آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت قطعاً به من مال و فرزند [بسیار] داده خواهد شد

مکارم: آیا ندیدی کسی را که آیات ما را انکار کرد و گفت اموال و فرزندان فراوانی نصیبم خواهد شد!

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾

فولادوند: آیا بر غیب آگاه شده یا از [خدای] رحمان عهدی گرفته است

مکارم: آیا او از اسرار غیب مطلع گشته، یا نزد خدا عهد و پیمانی گرفته است؟

كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿٧٩﴾

فولادوند: نه چنین است به زودی آنچه را می‌گوید می‌نویسیم و عذاب را برای او خواهیم افزود

مکارم: هرگز چنین نیست ما به زودی آنچه را او می‌گوید مینویسیم، و عذاب را بر او مستمر خواهیم داشت!

وَنَرْتُهُمَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿٨٠﴾

فولادوند: و آنچه را می‌گوید از او به ارث می‌بریم و تنها به سوی ما خواهد آمد

مکارم: آنچه را او می‌گوید (از اموال و فرزندان) از او به ارث می‌بریم و تک و تنها نزد ما خواهد آمد.

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴿٨١﴾

فولادوند: و به جای خدا معبودانی اختیار کردند تا برای آنان [مایه] عزت باشد

مکارم: آنها غیر از خدا معبودانی برای خود انتخاب کردند تا مایه عزتشان باشد (چه پندار خامی؟).

كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾

فولادوند: نه چنین است به زودی [آن معبودان] عبادت ایشان را انکار می‌کنند و دشمن آنان می‌گردند

مکارم: هرگز چنین نیست، به زودی معبودها منکر عبادت آنها خواهند شد، بلکه بر ضدشان قیام می‌کنند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤْزُهُمْ أَزًّا ﴿٨٣﴾

فولادوند: آیا ندانستی که ما شیطانها را بر کافران گماشته‌ایم تا آنان را [به گناهان] تحریک کنند

مکارم: آیا ندیدی که ما شیاطین را به سوی کافران فرستادیم تا آنها را شدیداً تحریک کنند.

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ﴿٨٤﴾

فولادوند: پس بر ضد آنان شتاب مکن که ما [روزها] را برای آنها شماره می‌کنیم

مکارم: بنابراین در باره آنها عجله مکن ما آنها (و اعمالشان) را دقیقاً شماره خواهیم کرد.

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾

فولادوند: [یاد کن] روزی را که پرهیزگاران را به سوی [خدای] رحمان گروه گروه محشور می‌کنیم

مکارم: در آن روز که پرهیزگاران را به سوی خداوند رحمان (و پادشاهای او) راهنمایی می‌کنیم.

وَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿٨٦﴾

فولادوند: و مجرمان را با حال تشنگی به سوی دوزخ می‌رانیم

مکارم: و مجرمان را (همچون شتران تشنه‌کامی که به سوی آبگاه می‌روند) به جهنم می‌رانیم.

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾

فولادوند: [آنان] اختیار شفاعت را ندارند جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است

مکارم: آنها هرگز مالک شفاعت نیستند مگر کسی که نزد خداوند رحمان عهد و پیمانی دارد.

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾

فولادوند: و گفتند [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده است

مکارم: آنها گفتند خداوند رحمن فرزندی برای خود اختیار کرده!

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا ﴿٨٩﴾

فولادوند: واقعا چیز زشتی را [بر زبان] آوردید

مکارم: چه سخن زشت و زنده‌های آوردید.

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشِقُ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾

فولادوند: چیزی نمانده است که آسمانها از این [سخن] بشکافند و زمین چاک خورد و کوهها به شدت فرو ریزند

مکارم: نزدیک است آسمانها بخاطر این سخن از هم متلاشی گردد، و زمین شکافته شود و کوهها به شدت فرو ریزد!

أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾

فولادوند: از اینکه برای [خدای] رحمان فرزندی قایل شدند

مکارم: از این رو که برای خداوند رحمن فرزندی ادعا کردند.

وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾

فولادوند: [خدای] رحمان را نسزد که فرزندی اختیار کند

مکارم: و هرگز سزاوار نیست که او فرزندی برگزیند.

إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾

فولادوند: هر که در آسمانها و زمین است جز بنده‌وار به سوی [خدای] رحمان نمی‌آید

مکارم: تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند بنده اویند.

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾

فولادوند: و یقیناً آنها را به حساب آورده و به دقت شماره کرده است

مکارم: همه آنها را احصا کرده و دقیقاً شمرده است.

وَ كُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾

فولادوند: و روز قیامت همه آنها تنها به سوی او خواهند آمد

مکارم: و همگی روز رستاخیز تک و تنها نزد او حاضر میشوند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾

فولادوند: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می‌دهد

مکارم: کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند خداوند رحمن محبت آنها را در دلها می‌افکند.

فَإِنَّمَا يَسِرَّنَاهُ بِلسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ﴿٩٧﴾

فولادوند: در حقیقت ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نوید و مردم ستیزه‌جو را بدان بیم دهی

مکارم: ما قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را بوسیله آن بشارت دهی و دشمنان سرسخت را انذار کنی.

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْرًا ﴿٩٨﴾

فولادوند: و چه بسیار نسلها که پیش از آنان هلاک کردیم آیا کسی از آنان را می‌یابی یا صدایی از ایشان می‌شنوی

مکارم: چه بسیار اقوام (بیایمان و گنهکاری) را قبل از آنها هلاک کردیم آیا احدی از آنها را احساس میکنی یا کمترین صدائی از آنان

می‌شنوی.